

خبرایات

مصائب جهانی شدن



جواد طوسی

● جداشدن «بخش بین‌الملل» از جشنواره فیلم فجر و برگزاری مستقل آن در دو سال اخیر، موافقان و مخالفان خودش را دارد. در نگاهی منصفانه و واقع‌بینانه باید گفت نقاظ مثبت این تجربه دوساله بر جنبه‌های منفی‌اش می‌چربد. تا زمانی که این بخش زیر سایه جشنواره داخلی فیلم فجر قرار داشت، آن‌گونه که باید جدی گرفته نمی‌شد؛ یعنی نه هویت و برنامه‌ریزی‌اش مشخص بود و نه مخاطبان واقعی‌اش؛ اما در موقعیت کنونی نیز همچنان با یک نکته مهم و لاینحل مواجهیم: ابعاد و مفهوم جهانی‌شدن در این جشنواره، چقدر است؟ یک جشنواره معتبر جهانی باید بدون محدودیت‌های نمایشی بتواند فیلم‌های شاخص و مناسب را از اقصانقاط جهان انتخاب کند و در بخش‌های مختلف (مسابقه، جنبی و جشنواره جشنواره‌ها) به نمایش بگذارد. آیا با توجه به خطوط قرمز و مبانی ارزشی و عرفی جامعه ما، این شیوه انتخاب بی‌قیدوشرط امکان‌پذیر است؟ در صورت منفی‌بودن پاسخ، تا چند سال می‌توان فیلم‌های بی‌مسئله از این حیث را جست‌وجو و شناسایی و بخش‌های مختلف جشنواره را با آنها پر کرد؟ آیا کشورهای مسلمان و مبارز و همسو با دیدگاه‌های انقلابی- سیاسی جمهوری اسلامی ایران آن‌قدر در زمینه تولید فیلم‌های واجد ارزش‌های کیفی و جهانی دست‌شان پر است که بتوانند همه‌ساله آثار مناسب در اختیار این جشنواره بگذارند؟ به نظر می‌رسد در این شرایط پرسو-تفاهم، خط‌کشی‌شده و نامتعطف، یکی از راه‌حل‌ها فرهنگ‌سازی است که به‌رحال در نگاه - حتی - خوش‌بینانه در کوتاه‌مدت امکان‌پذیر نیست و سیکل فرسایشی خواهد داشت و راه‌حل دیگر، کنار آمدن با همین وضعیت کج‌دار و مریز و بی‌خیال‌شدن اصول و قواعد متعارف و پذیرفته‌شده جهانی است. در وضعیت اخیر، قاعدتا مدیر و دبیر و سیاست‌گذار هوشمند و کاربلد و آشنا به قواعد بازی بهتر می‌تواند این جشنواره را جهت‌دهی و هودمند کند و در جایگاه تثبیت‌شده و کارآمد قرار دهد. مقایسه این جشنواره با «جشنواره جهانی فیلم تهران» که در فاصله سال‌های ۱۳۵۱ تا ۱۳۵۶ برگزار شد (از نظر شیوه اجرایی و برنامه‌ریزی، به نیست؛ برای مثال در این جشنواره فیلم‌های بخش مسابقه فقط مختص به آثار فرهنگی و هنری مانند «رگبار» و «کلاغ» (بهرام بیضایی)، «یک اتفاق ساده» (سهراب شهیدثالث)، «شازده احتجاب» (بهمن فرمان‌آرا)، «مهرگیاه» (فریدون گله)، «باغ سنگی» (پرویز کیمیایی) و «ملکوت» (خسرو هرتیاش) نبود و هزارگانه فیلم‌هایی مانند «گوزن‌ها»ی مسعود کیمیایی و «گندوی»ی فریدون گله که با بدنه حرفه‌ای سینما نیز همسویی داشتند، انتخاب می‌شدند. حتی جایزه بهترین بازیگر مرد سومین دوره این جشنواره به وثوقی، بازیگر اصلی فیلم «گوزن‌ها»، تعلق گرفت و رضا کرم‌زایی، بازیگر مکمل فیلم «گندو» نیز در دوره‌ای دیگر دیپلم افتخار گرفت. همین تنوع در انتخاب فیلم‌ها را می‌توان برای جشنواره جهانی فیلم فجر پیشنهاد داد. یک نکته مثبت دیگر جشنواره جهانی فیلم تهران، تنوع در برنامه‌ریزی و اهمیت‌دادن به تاریخ سینما با مرور آثار بزرگانی مانند چارلی چاپلین، ویلیام وایلر، فردریکو فلینی، میکل آنجلو آنتونیونی، روبن مامولیان و... بود. به نظر می‌رسد در جشنواره جهانی فیلم فجر جای این «ادای دین» خالی است. از منظر دیگر، می‌توان با مرور آثار فیلم‌سازان شناخته‌شده و صاحب‌سبکی مانند مارتین اسکورسیزی، برادران تاونای، برناردو برتولوچی، کلینت ایستوود، لوک بسون، استیون اسپیلبرگ، براینای دی‌پالمو، مایکل سان، رومن پولانسکی، میشائیل هانکه، جوزپه تورناتوره و... از خودشان دعوت به عمل آورد. همین تنوع و پرمیز از خاص‌بودن و فرهیختگی و روشنفکری و... و گسترش مکان‌های نمایشی، می‌تواند در رونق هرچه بیشتر جشنواره‌ای با ابعاد جهانی و افزایش مخاطبان آن مؤثر باشد.

«بی‌پدر» دواجرائی می‌شود

● شرق: نمایش «بی‌پدر» به نویسندگی و کارگردانی محمد مساوات، از سه‌شنبه، پنج اردیبهشت دواجرائی می‌شود و علاوه بر ساعت ۱۲،۰۲ اجرائی هم در ساعت ۱۷:۳۰ خواهد داشت. در این نمایش که اجرای آن تا نیمه اردیبهشت ادامه دارد، حسین منفرد، ابراهیم تانج، علی حسین‌زاده، میلاد آریافر، علیرضا گلدهی و کوروش شاهونه بازی می‌کنند. جابر رضائی، مجری طرح است و دیگر عوامل اجری عبارتند از: محمد قدس، مشاور تهیه و تولید؛ مسانه احمدی‌مطلق، طرح لباس؛ تینا بخشی، طرح گریم؛ محمد رسولی، طرح نور؛ حامد حبیب‌زاده، آهنگ‌ساز؛ صفا کامدیده، طرح صدا و... . محمد مساوات مؤسس گروه تئاتر ردیبال ۱۴، پیش از این نمایش‌های موفق قصه ظهر جمعه، خانه‌واده، بیضایی و یافت‌آباد را کارگردانی کرده بود.



الهام کُردا بازیگر

فقط وقتی برای درخت هم، شعور قائل باشی، می‌توانی نمایشی مثل «تو با کدام باد میروی؟» را با تمام وجود کار کنی و با تمام حواست ببینی. این درهم‌تیدگی واقعیتی که هر روز به صورتمان می‌خورد با آن همه جادو و شاعرانگی دقیقا چیزی است که این روزها باعث کمی عمیق نگاه‌کردن به جهان اطرافمان می‌شود. شعوری که در اثر هست و قطعا به‌عنوان بیننده اثر باید با همان شعور با آن شرق،بهناز شیربانی: نسخه ترمیم‌شده فیلم «ناخداخورشید» برای نخستین‌بار در جشنواره جهانی فجر رونمایی شد؛ فیلمی که پس از سال‌ها بسیاری از مخاطبان و سازندگان این اثر سینمایی را غافلگیر کرد؛ هرچند که این فیلم در غیاب سازنده‌اش، ناصر تقوایی، اکران شد و او ترجیح داد مخاطبان فیلم اثرمانای کارنامه‌اش را بدون او ببینند. به مراسم رونمایی از نسخه ترمیم‌شده این فیلم که شامگاه دوم اردیبهشت در سینما فلسطین برگزار شد، مرضیه وفاقهر، همسر تقوایی، داریوش ارجمند، بازیگر و هارون یشاییبی، تهیه‌کننده اثر، حضور داشتند و درباره خصلت‌های اخلاقی این کارگردان در ساخت فیلم‌هایش صحبت کردند. همچنین در سینما فلسطین نمایشگاهی از تصاویر منتخب ثبت‌شده در دوربین فیلم‌برداری «ناخداخورشید» برپا شده که از بین حدود ۲۰۰ هزار فریم بازیابی‌شده فیلم تعداد ۶۰ تصویر منتخب به نمایش درآمده است. به بهانه نمایش این اثر سینمایی با داریوش ارجمند که برای بازی در این فیلم برنده تندیس سیمرخ بلورین بهترین بازیگر مرد در پنجمین جشنواره فیلم فجر شد، گفت‌وگویی کردیم.

❧ **قطعا دیدن نسخه ترمیم‌شده «ناخداخورشید» در جشنواره جهانی برای شما حال‌وهوای دیگری داشت، نظر شما درباره رویکرد جشنواره جهانی به این بخش چیست؟** خوشحالم که جشنواره جهانی به شکلی که می‌بینیم برگزار می‌شود و نسخه ترمیم‌شده فیلم «ناخداخورشید» نیز در این جشنواره نمایش داده شد. به‌رحال روال ترمیم فیلم‌های قدیمی از اتفاقاتی است که در دنیا مرسوم و متداول است. به‌رحال ترمیم فیلم کار آسانی نیست و هزینه کمی هم ندارد، اما با این کار می‌شود از فیلم‌های مهم تاریخ سینما مراقبت کرد. لذت دیدن فیلم روی پرده سینما و بدون سانسورهایی که در تلویزیون روی این فیلم انجام می‌شود، برای من بی‌اندازه بود. خوشحالم که بسیاری از جوان‌هایی که شناخت دقیقی نسبت به سینمای دهه ۶۰، ۷۰ ندارند با دیدن فیلم‌هایی از جنس «ناخداخورشید» می‌بینند که چه فیلم‌های درجیکی ساخته می‌شد و چه بزرگانی

برخورد کرد و استحاله‌ای که شخصیت‌های نمایش دچارش می‌شوند، برای من مثل یک «رقص روی لیوان‌ها»ی دیگر بود. شوکه‌کننده، غیرقابل‌باور و درک‌شونده با تمام حواس. نمایش‌نامه پر از صداهای ذهنی شخصیت‌هایش است؛ صداهایی که جرئت نمی‌کنی بلند آنها را بگویی چون گاهی خیلی دم‌دستی هستند و گاهی آن‌قدر شاعرانه و دور از کلمه‌های روزمره که در هر دو شکل ترجیح می‌دهی آنها را برای خودت نگه داری تا بمیری؛ اتفاقی که در دنیای امروز همه ما مدام درگیرش هستیم. مدام در ذهن خود زندگی می‌کنیم و مدام تصمیم نمی‌گیریم و مدام ایستاده‌ایم بدون هیچ حرکتی تا روزی که آرام بگیریم. «تو با کدام باد میروی؟» برای من پر بود از

گفت‌وگو با داریوش ارجمند

هیچ‌کس به فکر ناصر تقوایی نیست



جواد طوسی

در این سینما زحمت کشیدند. این سینما دیگر مثل گذشته نیست، همه‌چیز تغییر کرده است. همه کثرت‌گرا شده‌اند؛ از تهیه‌کننده و کارگردان گرفته تا بازیگر و دیگر عوامل فیلم‌ها. فیلمی که بیشتر می‌فروشد از دید عده‌ای فیلم موفقی است و حتما فیلم خوبی است! درصورتی‌که در گذشته این‌طور نبود. سینما در دهه ۶۰ طور دیگری بود و زحمت بیشتری برای تولید فیلم‌ها کشیده می‌شد.

❧ **قطعا آثار ناصر تقوایی از فیلم‌های ماندگار تاریخ سینمای ایران است و به‌هیچ‌وجه نمی‌شود از سینمای او چشم‌پوشی کرد. بله، دقیقا همین‌طور است. ناصر تقوایی یکی از سرمایه‌های سینمای ماست و تکرارشدنی است و در تمامی زمینه‌ها استعداداش را نشان داده؛ چه در ساخت مستند، چه فیلم‌های مذهبی و چه آثار سینمایی و تلویزیونی درخشانی که کارگردانی کرده است. این مرد از ابتدای ورودش به هنر، یکی از موفق‌ترین و مهم‌ترین کارگردان‌های این کشور بوده و هست که متأسفانه این‌روزها در خلوت تنهایی خودش زندگی**

اینها، پر از در آستانه نگه‌داشتن همه‌چیز. پنج بازیگر روی صحنه هر کدام در مرکز یکی از نورها که انکار هرکدام در جهان خود ایستاده بدون هیچ ارتباطی با دیگران. در حالی که در ظاهر همه یک خواسته دارند. و درونشان پر است از التهاب و تنش و تما و فکر و فکر و... شعر. و آن‌قدر غریب و با تمام وجود از تو دریغ می‌کنند که تنها یک حرکت دست‌که در فاصله پنج دقیقه بالا می‌آید به بزرگ‌ترین و پرتناترین حرکت جهان تبدیل می‌شود و دقیقا این بخش از انتخاب این گروه باعث عمیق‌تر‌شدن تماشاگر نسبت به کار می‌شود. این نشان‌ندادن‌ها در عین واقعی‌بودن و اینجاست که تو هر کلمه‌ای، هر حرکتی و هر صدایی را با تمام وجود درک می‌کنی.

نمایش‌نامه عجیب جمال هاشمی و جسارتی که در انتخاب سرنوشت شخصیت‌ها دارد و کارگردانی کمال هاشمی و طراحی که برای نمایش دارد، فضای عجیبی را در اختیار تماشاگر می‌گذارد؛ تجربه‌ای که با این همه اتفاق پر از هیاهو در تئاتر این روزها متفاوت است. کشمکش‌ی الهام‌بخش بین درست و غلط‌بودن یک اثر هنری. چیزی که به‌اشتباه همه ما دچارش هستیم. هیچ اتفاق هنری را براساس درست و غلط‌بودن نمی‌توان ارزش‌گذاری کرد. تنها می‌توان گفت کدام اثر نگاه ژرف‌تری به جهان به انسان و به کلمات دارد و نمایش «تو با کدام باد میروی؟» و بازیگرانش و انتخاب‌های آنها تو را مجبور به این کشمکش درونی می‌کنند.

گفت‌وگو با داریوش ارجمند

هیچ‌کس به فکر ناصر تقوایی نیست

دنيا فيلم او را بسيار بزرگ و فراتر از زمانش توصيف مي‌کنند. تقوايي به دليل تسلطش به ادبيات ايران و جهان در به‌روزکردن ادبيات غرب استعداد بي‌نظيري دارد و توانست داستان زيباي مينيکوي را به شيوه درخشاني ايراني کند و مابازاري درستي در کشور خودمان پرايش پيدا کرد. او جنوب را آن‌قدر درست و عميق مي‌شناسد که هنوز هم تماشاي فيلم حيرت‌انگيز است، به برخي مسائل اجتماعي چنان موشکافانه و دقيق نگاه کرده است که نمی‌توان در داستان همينکوي آنها راديد.

❧ **به‌رحال شما قهرمان داستان ناصر تقوایی بوديد و «ناخداخورشيد» يکي از درخشان‌ترين نقش‌هاي شماست. سال‌هاست از اين نقش فاصله گرفته‌ايد، الان اين شخصيت را چطور مي‌بينيد؟**

ناخداخورشيد را هميشه دوست داشتم و دارم. افتخار مي‌کنم کار حرفه‌اي در سينما را با ناصر تقوايي شروع کردم. قرار بود در سرپال «کوچک جنگلي» همکاري کنم که متأسفانه عده‌اي با توطئه اين فيلم را از دست ناصر تقوايي دراوردند و طور ديکري ساخته شد. ناصر هميشه مي‌گفت: «کوچک جنگلي وصيت‌نامه من است» و متأسفم که به سرانجام نرسيد. قرار بود «زنگي و رومي» را بسازد يا «چاي تلخ» که هرکدام از آنها شاهکار بودند. خوشحالم که «اي ايران» به نتيجه رسيد و «کاغذ بي‌خط» که به نظر من ۲۰ سال جلوتر از زمانش ساخته شد. هميشه تقوايي از زمانش جلوتر بوده است. «گشتي يوناني» را ببينيد که چه شاهکاري است يا تمرين آخر شاهکاري مسلم است. هيچ‌کس در مورد تعزيه به زيبايي او فيلم نداشته است.

آرزو مي‌کنم با ديگر ناصر تقوايي را پشت دوربين ببينم و عاشقانه دوستش دارم. به‌رحال خوشحالم که نسخه ترميم‌شده فيلم «ناخداخورشيد» را بسياري بعد از سال‌هاديدند و بسياري از جوان‌ها براي نخستين‌بار مره فيلم را چشيدند. وقتي با برخي از آنها صحبت مي‌کردم، حيرت کرده بودند از اينکه در آن سال‌ها به اين شکل فيلمي ساخته شده و باعث افتخار است که من هم سهمي در اين فيلم بارزش دارم.

فرمانفرما با بزرگان می‌آید

است. ايشان علاوه بر زندگي علمي و اکادمي به هنر نقاشي هم اشتغال دارد و از سال‌هاي کودکي تاکنون به نقاشي و تدريس در اين زمينه مشغول و تابه‌حال چندين نمايشگاه گروهی و انفرادي برگزار کرده است. پيکره پيکره و پيکره‌نمايي عنوان نخستين نمايشگاه گالري فرمانفرماست که با همکاري خانم فرناز محمدي جمع‌آوري شده و در آن آثار فيگوراتيو بزرگاني مانند آديبن آغداشلو، رازه تباتبايي، هائيبال الخاص، محمود جوادپور، مهدي سحابي، ايرج زند، منوچهر معتبر، ناصر اويسي، پروانه اعتمادی و ... در معرض تماشا خواهد بود. نشانی گالري فرمانفرما؛ خيابان کريمخان‌زند، خردمند شمالي، آغرابي ۱۰ ساعات بازديد از ۱۱ تا ۱۹ هر روز هفته جز دوشنبه‌هاست.



نکارخانه فرمانفرما با ۳۳۲ متر ديوار نمايشگاهي و نمايش آثار جمعي از پيشگامان هنر ايران اعلام موجوديت کرد. به گزارش ايران‌آرت، نگارخانه فرمانفرما به مديريت تکتم فرمانفرمايي، عصر جمعه، هشتم ارديبهشت با ارائه آثار فيگوراتيو بزرگان هنر ايران افتتاح مي‌شود. اين نگارخانه در دو طبقه، ۱۶۶ متر ديوار نمايشگاهي در هر طبقه، يک اتاق مختص نمايش آغداشلو، رازه تباتبايي، هائيبال الخاص، محمود جوادپور، مهدي سحابي، ايرج زند، منوچهر معتبر، ناصر اويسي، پروانه اعتمادی و ... در معرض تماشا خواهد بود. نشانی گالري فرمانفرما؛ خيابان کريمخان‌زند، خردمند شمالي، آغرابي ۱۰ ساعات بازديد از ۱۱ تا ۱۹ هر روز هفته جز دوشنبه‌هاست.

ندارم. به‌رحال واقعا دلم گرفته بود و آن نوشته را در پي اين اتفاق در اينستاگرام نوشتم. من پيکير اين ماجرا هستم و مراجع قضائي را هم در جريان اين اتفاق قرار داده‌ام، اما تابلو جديدي براي آموزشگاه نصب و سعي مي‌کنيم ماجرا را فراموش کنيم». معتمدي در روزهاي آينده در اصفهان و تهران کنسرت خواهد داد. همچين کنسرت فرديون آسرايي، خواننده موسيقي پاپ ايران، هم که قرار بود در روز چهارم ارديبهشت در گنابد برگزار شود، با وجود داشتن تماهي مجوزهاي لازم، لغو شد. دليل اين اتفاق همچنان نامعلوم باقي مانده است.

و شهرستان‌ها، ايده جديدي براي قدرداني و نوازش بنده دارند، دريغ نفرمايند که اين روزها بجدالله، دور، دور ماست».

معتمدي در تماس تلفني درباره اين اتفاق به «شرق» گفت: «واقعا

دلکريم از اتفاقي که رخ داده و درعين‌حال دستم به جايي بند نيست و نمي‌دانم که اين کار ممکن است کار چه کسي يا کساني باشد که در روز روشن چين کاري مي‌کنند و سوار وسيله‌نقلیه‌شان مي‌شوند و مي‌روند». او در ادامه درباره احتمال ربط داشتن اين اتفاق با لغو کنسرت‌هايش ابراز بي‌اطلاعي کرد و ادامه داد: «نمی‌دانم و توان حدس‌زدن هم

۲ اتفاق عجیب برای موسیقی ایران

شرق: محمد معتمدي که در چند روز گذشته خبر لغو کنسرت‌هايش در شيراز را به دليل عدم اخذ مجوزهاي لازم در صفحه شخصي اينستاگرامش منتشر کرده بود، شب گذشته خبر از تخريب کامل تابلو سردر آموزشگاه آوازش در تهران داد.

او در صفحه شخصي اينستاگرامش نوشت: «امروز در جلوي آموزشگاه بنده عده‌اي از ماشين پياده شدند و تابلوي آموزشگاه را با تيغ بريدند و خيلي آرام و باوقار سوار ماشين شدند و رفتند. اعتراضی که ندارم، فقط خواستم تشکر کنم. چنانچه هر يك از مسئولان در تهران

پیشخوان

«هفت وادی عشق و سلوک» منتشر شد

هفت وادی سلوک عارفانه



● **شرق:** «هفت وادی عشق و سلوک»، کتابی است در باب روشنگری عرفان به منظور کاربردی‌کردن آن برای اغنای نیازهای انسان معاصر بر بستر سنتِ پویای عرفان برآمده از قرآن و جاری بر حضور نامکرر عشق که عشق اصل و بنیان عرفان متعالی و پویاست. عرفان، هستی، وجود و سیر متعالی انسان را از منظر عشق می‌بیند. در این منظر، بی‌عشق جهان فسرده و ساکن و مرده است. دورگردن‌ها ز موج عشق داند

گر نبودی عشق بفسردی جهان (مثنوی - دفتر پنجم)
شیخ فریدالدین عطار، مرشد و مراد نیشابوری، عشق را در وادی دوم هفت وادی سلوک خود قرار داده است. عطار، این بزرگ همه دوران‌های عاشقی، طریق نجات انسان و راهیابی به سعادت این و آن جهانی را در طی طریق هفت وادی مطرح‌شده در کتاب وزین و موزون و منظوم منطق‌الطیر می‌داند. هفت وادی به نظر متعالی عطار چنین‌اند:

طلب، وادی اول - عشق، وادی دوم، معرفت، استغنا، توحید، حیرت و فقر و فنا...
کتاب «هفت وادی عشق و سلوک» به تمامی وامدار عطار و آثار اوست و نیز مولانا جلال‌الدین محمد مشهور به مولوی و همچنین به عین القضاات، ابن‌عربی، حسین‌بن‌مضور حلاج، سانی غزنوی، احمد غزالی، روزبهان بقلی، حافظ، ابوسعید ابوالخیر، ابوالحسن خرقانی و... همه بزرگان عرفان که محمل عرفان انسان - خدایی را بر دستان فای خود حمل می‌کنند. در این کتاب برای اولین‌بار شاهدیم که این هفت وادی به شکل متمرکز و با نگاهی گسترده و به منظور تجمیع آرای این بزرگان جهان معرفت و عشق بر محوریت هفت وادی طرح‌شده در منطق‌الطیر به شرح می‌آید. کارای طاقت‌سوز و جان‌فزا که تنها با مدد و یاری و همراهی روح این زندان جهان‌جادوان و غایت بی‌دریغ خاوندگار عشق و دوستی به انجام رسيد. در این اثر، مؤلف سعی در کار آورده و به این کوشش به راه آمده که عرفان را به عرفان و عارف را به عارف بنمایاند؛ ازاین‌رو این اثر را نمی‌توان کاری تحقیقاتی به معنی مصطلحش دانست. این اثر روبه‌روی انسان معاصر و زخم‌خورده و ناالان از غربت غربی قرار دارد تا که او خود را بی‌واسطه و بی‌تعارف در آیینه صیقلی عرفان نظاره کند و هرچند دمی، از خستگی و زخم‌های تحمیل‌شده بر خود برهد و از بی‌کسی برمد و خویش را در فراسوی تیک و بد و در فضای لُخت حضور، لُختی رها کند تا درپایه که زمانه چه جفاها بر او روا داشته و خود نیز چه بی‌پروا بر خود بی‌وفایی کرده و خویش را چه ازران و بی‌پروا به حراج گذاشته است. در این آیینه است که انسان غریب و تنها و رهاشده در انبوهی از تن‌هایی که هیچ ربطی به هم ندارند و تنها از سر‌توس باهم‌اند و نیز از سر‌ترسی دیگر از هم می‌روند، خود را عریان و بی‌ریا می‌بیند و اگر از تصویر بی‌توش خود در این آیینه از خود نرمد! راهسگاری برای با خویش ماندن و با خود کنارآمدن و در خود دوستی پنهان با خود بودن را کشف می‌کند. کتاب «هفت وادی عشق و سلوک» به قلم علیرضا خطیب‌زاده نگارش شده و در دوجلد با صحافی اعلا از سوی انتشارات بهجت با قیمت ۱۵۰ هزار تومان راهی بازار کتاب شده است.

جاریچی

اجرای نمایش «عقل صورتی» ویژه خبرنگاران

● **شرق:** نمایش «عقل صورتی با مدادی که فقط مشق نمی‌نوشت» به نویسندگی و کارگردانی مهدی فرشیدی‌سپهر روز دوشنبه، چهارم اردیبهشت، ساعت ۱۷:۳۰ در مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، واقع در پارک لاله، ویژه خبرنگاران و عکاسان حوزه تئاتر اجرا خواهد شد. نمایش «عقل صورتی با مدادی که فقط مشق نمی‌نوشت» به نویسندگی و کارگردانی مهدی فرشیدی‌سپهر که از روز ۱۰ اسفندماه سال گذشته اجراهایش را در کانون پرورش فکری پارک لاله آغاز کرده بود، اجرای روز دوشنبه، چهارم اردیبهشت خود را به اصحاب رسانه و عکاسان عرصه تئاتر اختصاص داد. مضمون نمایش «عقل صورتی...» رابطه میان دانش‌آموزان، معلمان و پدران و مادران در محیط مدرسه و خانواده است، مسئله‌ای که بسیاری از دانش‌آموزان با آن مواجهند. حضور بازیگران کودک و نوجوان که خود دانش‌آموزان مقاطع مختلف هستند، از نکات قابل‌توجه این نمایش است؛ بازیگران نوجوانی که با تجربه اندک در کنار دیگر بازیگران باسابقه عرصه تئاتر کودک و نوجوان به ایفای نقش می‌پردازند.

نمایش «عقل صورتی با مدادی که فقط مشق نمی‌نوشت» تا پایان اردیبهشت هرروز جز‌شنبه‌ها ساعت ۱۷:۳۰ در سالن مرکز تئاتر کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، واقع در پارک لاله روی صحنه می‌رود.